



Determining the Degree of Sociability in Urban Neighborhoods Using the Spatial Intimacy Approach

Case Study: Jahan Ara District, Pasdaran Blvd., Shiraz, Iran

Sahand Lotfi¹ | Mohammad Hosseinpour² | Ali Soltani³ | Parisa
Khajehzadeh⁴

1. Assistant Professor of Urban Design, Department of Urban Planning, Faculty of Arts and Architecture, Shiraz University.
sloffi@shirazu.ac.ir

1. Assistant Professor of Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Arts and Architecture, Shiraz University.
m_hosseinpour@shirazu.ac.ir

2. Professor of Urban Planning and Design, Department of Urban Planning, Faculty of Arts and Architecture, Shiraz University.
soltani@shirazu.ac.ir

4. Master's Student of Urban Design, Department of Urban Planning, Faculty of Arts and Architecture, Shiraz University.
parisa.khajehzadeh@yahoo.com

Article Info:

Article type:

Research Article

history:

Received:

2023/5/16

Received:

2023/10/10

Accepted:

2023/11/26

Published:

2024/1/5

Keywords:

Spatial Intimacy,
Sociability, Public
Space, Urban
Neighborhood,
Shiraz.

Abstract: Neighborhood units serve as the spatial and physical embodiment of human interactions and relationships, blending residential living with social needs for communication. A significant deficiency in many neighborhoods is the lack of direct and meaningful interactions, as residents have become distanced from their previously valued social contexts characterized by conviviality and warmth. Strengthening human connections among residents in urban neighborhoods has become increasingly important. Among the various considerations for reorganizing public spaces, social content holds paramount importance. This includes humanistic spatial qualities, particularly "sociability." Numerous factors influence the emergence and reinforcement of sociability, with "space conviviality" being a key factor that encompasses several indicators. This paper explores the quality of sociability in the Jahan Ara District of Shiraz, with a focus on space conviviality. The Jahan Ara District is identified as a contemporary neighborhood unit centered around a local street predominantly used for residential purposes, developed gradually during the 1980s within the new urban fabric of Shiraz. Indicators of sociability and space conviviality were identified from existing literature, and their current state was examined through field studies and the completion of questionnaires. The gathered data were analyzed to derive results. Findings indicate that the quality of space conviviality in the area is quite disappointing, highlighting the need to improve environmental qualities and redesign public spaces to enhance the sociability of the neighborhood.

Cite this article: Lotfi, S. Hosseinpour, M. Soltani, A. Khajehzadeh, A (2024) Determining the Degree of Sociability in Urban Neighborhoods Using the Spatial Intimacy Approach, *Architectural & Environmental Research* 1(1), 241-266. <https://doi.org/10.30470/jaer.2019.86352.1023>

© The Author(s).

Homepage: jaer.znu.ac.ir

Publisher: University of Zanjan





بررسی میزان تعامل پذیری واحدهای همسایگی با استفاده از رویکرد صمیمیت فضایی

نمونه موردی: محدوده خیابان جهان آرا، بولوار پاسداران، شیراز

سپهند لطفی ^۱ | محمد حسین پور ^۲ | علی سلطانی ^۳ | پریسا خواجehزاده ^۴

۱. استادیار طراحی شهری، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز. slotfi@shirazu.ac.ir
۲. استادیار برنامه ریزی شهری، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز. m_hosseinpour@shirazu.ac.ir
۳. استاد برنامه‌ریزی و طراحی شهری، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز. soltani@shirazu.ac.ir
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز. parisa.khajehzadeh@yahoo.com

چکیده: واحدهای همسایگی، تبلور کالبدی - فضایی اجتماع شهری، و نمایانگر شیوه‌های حضور و تعامل انسانی بر مبنای الگوی پایه سکونت اند. از این رو، شاید بتوان مهم‌ترین خلاء در واحدهای همسایگی امروزی شهرها را، فقدان ارتباط عمیق و تعامل مداوم دانست. از جمله ملاحظات آن که در بازماندهای فضاهای شهری، لازم است توجه قرار بگیرد، ابعاد اجتماعی فضا است که شامل کیفیت‌های فضایی انسان‌محور از جمله «تعامل پذیری» است. یکی از عوامل تأثیرگذار در تکوین و تقویت تعامل پذیری، کیفیت «صمیمیت» فضایی است که خود، شامل مؤلفه‌ها و شاخص‌های گوناگونی است. آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده، بررسی کیفیت تعامل پذیری با رویکرد صمیمیت فضایی، در محدوده خیابان جهان آرا که شامل محدوده‌ای با مختصات کلی یک واحد همسایگی است. بدین منظور، مؤلفه‌های مؤثر در تکوین کیفیت تعامل پذیری بر اساس مبانی نظری و بازخوانی ادبیات مرتبط، استخراج گردیده و سپس، وضعیت مؤلفه‌های موردنظر با استفاده از پرسشنامه و مطالعات میدانی احصاء و بررسی شده است. سپس، با استفاده از روش‌های آماری و استفاده از آزمون همبستگی، ارتباط بین مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی و مؤلفه‌های کالبدی، زیست محیطی و اجتماعی و محدوده موردنظر مورد بررسی قرار گرفته است. در آخر، داده‌های به‌دست آمده، با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن، مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی مؤثر بر شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی در وضعیت نامطلوبی قرار داشته لذا می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که محدوده موردنظر در حال حاضر فاقد کیفیت صمیمیت فضایی است، و در نتیجه تعامل پذیری نیز در این محدوده در وضعیت نامطلوبی قرار داشته، و لازم است به‌منظور تقویت تعامل پذیری اقداماتی نظیر بازطراحی فضای شهری و ارتقاء کیفیت‌های مرتبط با مفهوم تعامل پذیری، صورت بگیرد.

اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ‌ها:

دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۶

بازنگری: ۱۴۰۲/۷/۱۸

پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۵

انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵

واژگان کلیدی:

صمیمیت فضایی،
تعامل پذیری، فضای شهری،
واحد همسایگی.

استاد: لطفی، سپهند حسین پور، محمد سلطانی، علی خواجehزاده، پریسا (۱۴۰۲). بررسی میزان تعامل پذیری واحدهای همسایگی با استفاده از رویکرد صمیمیت فضایی.

پژوهش‌های معماری و محیط، ۱۱(۱): ۲۶۶-۲۴۱، ۱۰۲۳. <https://doi.org/10.30470/jaer.2019.86352.1023>

© نویسنده‌گان .

ناشر: دانشگاه زنجان.

DOI: <https://doi.org/10.30470/jaer.2019.86352.1023>

Homepage: jaer.znu.ac.ir



مقدمه

تعامل اجتماعی نیز، یکی از انواع فعالیت‌های اجتماعی است که می‌تواند در فضای شهری به وقوع بپیوندد (گل، یان، ۱۳۹۲). این مفهوم، اولین و ساده‌ترین عنصر زندگی مشترک انسانی است، چرا که نیاز افراد به برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران نیازی ذاتی و برآمده از سرشت آدمی است. به طور کلی می‌توان گفت عوامل متفاوتی می‌توانند در شکل‌گیری یک فضای شهری تعامل پذیر تأثیرگذار باشند؛ یکی از این عوامل، کیفیت «صمیمیت فضایی»^۲ است.

صمیمیت فضایی کیفیتی از فضای شهری است که در ارتباط متقابل با تعاملات اجتماعی قرار دارد، به این معنی که هم تعامل و ارتباطات اجتماعی می‌توانند باعث تکوین کیفیت صمیمیت در فضای شهری شوند و هم حضور این کیفیت در فضای شهری، زمینه مساعدی برای تقویت تعاملات اجتماعی فراهم خواهد نمود. مفهوم صمیمیت نخستین بار در سال (۱۹۹۸) توسط شخصی به نام پیاتانی در حوزه برنامه‌ریزی شهری معرفی

فضا و جامعه ارتباط مستقیمی با یکدیگر داشته و بر هم تأثیر گذارند (کارمونا و دیگران، ۱۳۸۸). به بیانی دیگر، بررسی فضا بدون توجه به بستر اجتماعی آن و یا بررسی جامعه بدون توجه به ظرف فضایی آن، بسیار مشکل خواهد بود. در این ارتباط هالپرین^۱ (۱۹۸۱) معتقد است فضاهای شهری، فرصتی برای مشارکت در زندگی اجتماعی به شمار می‌آیند و موجب هم‌افزایی و تکوین سرمایه اجتماعی‌اند (Zakariya et al., 2014: 679)، از سوی دیگر می‌توان گفت افرادی که در یک محدوده یا واحد همسایگی زندگی می‌کنند، نیازمند برقراری تعامل و ارتباط با یکدیگرند (Jacobs, 2002: 101). چنان که جین جیکوبز در کتاب خود تحت عنوان مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، عنوان کرده است که ترکیب فرهنگ و اقتصاد و عملکردهای مسکونی در مقیاس محلی و واحد همسایگی، مهم‌ترین عامل در توسعه زندگی شهری محسوب می‌گردد (Bin Ngah, 2013: 185).

2. Space Conviviality

1. Lawrence Halprin (1916-2009)

گردید (Nowicka, 2014: 347). پس از پیاتائی افراد بسیاری به بررسی مفهوم صمیمیت در ارتباط با شهر و فضاهاى شهری پرداخته‌اند، و عوامل مؤثر و تأثیرگذار بر شکل‌گیری این کیفیت فضایی و نقش آن در تقویت تعاملات اجتماعی و ایجاد فضاهاى شهری سرزنده را مورد پژوهش و بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از مطالعات صورت گرفته در این زمینه نشان‌دهنده این امر است که صمیمیت فضایی به‌عنوان یکی از عوامل (مؤلفه‌های) تأثیرگذار بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در فضای شهری، با این مفهوم (تعامل‌پذیری) دارای ارتباط مستقیم و دو طرفه است. به بیان دیگر، هم صمیمیت فضایی می‌تواند منجر به شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در فضای شهری شود و هم می‌توان گفت که فضای تعامل‌پذیر دارای کیفیت صمیمیت فضایی می‌باشد. همچنین مطالعات صورت گرفته، مبین این امر است که شاخصه‌های هر دو مؤلفه تعامل‌پذیری فضای شهری و صمیمیت فضایی با هم همپوشانی دارند. در این مقاله تلاش گردیده تا با توجه به مؤلفه‌های

به‌دست آمده بر مبنای متون و مبانی نظری، حضور کیفیت صمیمیت فضایی در محدوده موردنظر مورد ارزیابی و بررسی قرار بگیرد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات همبستگی بوده و به لحاظ هدف، تحقیقی کاربردی است. روش تحقیق روش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسش‌نامه است که توسط محقق تهیه گردیده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه خانوارهای ساکن در محدوده جهان‌آرا در شعاع چهارصدمتری از مرکز محله فرضی موردنظر برای طراحی فضای مرکزی محله، بوده است. بر اساس داده‌های به‌دست آمده، تعداد خانوارهای ساکن در این محدوده برابر با ۸۶۵ خانوار است. حجم نمونه با سطح اطمینان ۹۵ درصد و احتمال خطای ۵ درصد و بر اساس فرمول کوکران ۲۶۵ خانوار تعیین گردیده است. روش نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده و در دسترس صورت گرفته است.

با توجه به هدف تحقیق و ارتباط مستقیم کیفیت موردنظر با حضور مردم و تأمین خواسته‌ها و نیازهای

به آن سبب شکل‌گیری بافت شهری سرزنده در پیرامون و یا بر حول محور خود شده است (راست بین و همکاران، ۱۳۹۱). نقطه آغازین این حرکت توسط افرادی چون پاول زوکر^۱ (۱۹۵۹)، جین جیکوبز^۲ (۱۹۶۹)، ویلیام وایت^۳ (۱۹۸۰)، یان گل^۴ (۱۹۸۷)، کلر کوپر مارکوس و کارولین فرانسیس (۱۹۷۷) و هلن وولی^۵ (۲۰۰۳) انجام شده است.

مفهوم صمیمیت در شهرسازی نخستین بار در سال ۱۹۹۸ توسط شخصی به نام پیاتائی و در حیطه برنامه‌ریزی شهری معرفی شد. وی معتقد بود که برنامه‌ریزی اجتماعی می‌تواند بستر مناسبی برای شکل‌گیری روابط طولانی‌مدت در یک مکان مشخص فراهم نماید. به اعتقاد او، در راستای شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی در یک فضای شهری، سیاست‌های مکانی ویژه‌ای بایستی اتخاذ گردد که اصلی‌ترین

استفاده‌کنندگان، سؤالات پرسش‌نامه در دودسته طبقه‌بندی شده‌اند. در بخش اول، مشخصات مؤثر پرسش‌شوندگان بر هدف تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. بخش دوم سؤالات پرسش‌نامه، به بررسی وضع موجود شاخصه‌های مؤثر بر شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی منتج از مبانی نظری، از طریق آزمون همبستگی بین مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی و ویژگی‌های کالبدی نمونه موردی و همچنین ویژگی‌های اجتماعی ساکنین محدوده موردنظر پرداخته است؛ در نهایت داده‌های حاصل با استفاده از نرم افزار SPSS و با استفاده از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است.

مبانی نظری و پیشینه موضوع

از گذشته‌های دور، همواره فضاهای شهری اجتماع‌پذیر و انسان‌مدار در ساختار شهرها، نقش مهمی داشته، و توجه

4. Clare Cooper Marcus and Carolyn Francis (1977), *People Places: Design Guidelines for Urban Open Space*, New York: John Wiley and Sons.
5. Hellen Woolley (2005), *Urban Open Spaces*, New York: Spon Press.

1. Paul Zucker (1959). *Town and square*, New York: Columbia University Press.
2. Jane Jacobs (1961). *The Death and Life of Great American Cities*, New York: Random House.
3. William H. Whyte (1980). *The social life of small urban spaces*, New York: Conservation Foundation.

داده‌اند می‌توان به پائول گیلوری اشاره کرد. وی معتقد است که مفهوم صمیمیت در گفتمان عمومی به معنی "زندگی با یکدیگر" است، و بر مبنای مفاهیم تئوری به‌عنوان مبنای زندگی در جوامع چندفرهنگی به شمار می‌آید (Gilory, 2006:330). به اعتقاد گیلوری تفاوت‌های قومی و نژادی، مانعی برای شکل‌گیری صمیمیت در یک فضای شهری نخواهد شد، چرا که این تفاوت‌ها به‌مرور زمان عادی می‌شوند و مسئله‌ساز نخواهند بود. در این رابطه آنچه که اساساً مفهوم صمیمیت را با مشکل روبرو می‌کند، شیوه زندگی افراد یک جامعه، ترجیحات آن‌ها برای گذران اوقات فراغت و سلايق آن‌هاست (Nowicka, 2014:347).

واتمر و هینچلیف به‌منظور بررسی مفهوم صمیمیت، به بررسی رفتار انسان‌ها، تأثیر مواد و مصالح و همچنین الگو و ریتم موجود در فضای شهری و تأثیر آن بر شکل‌گیری صمیمیت فضایی پرداخته‌اند (Whatmore & Hincliffe, 2006:130). آن‌ها

آن‌ها این است که گرایش یا رویکرد خاصی برای آن فضا در نظر نگرفته باشیم (Nowicka, 2014:347).

پس از پیاتانی، ایوان ایلچ (۱۹۷۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "ابزارهایی برای صمیمیت" به بررسی مفهوم صمیمیت فضایی پرداخته است. ایلچ معتقد است که ابزارهای صمیمیت شامل ایده‌ها، مؤسسات و همه وسایل و ابزاری می‌شوند که در شکل‌گیری این مفهوم در جامعه تأثیرگذار خواهند بود و نتایج حاصل از این کیفیت در فضای شهری، شامل بهبود آموزش عمومی، جمع‌گرایی، تعامل‌پذیری، استقلال و تعاملات خلاقانه در فضای شهری خواهد بود (Illich, 1973:25). فینچر مفهوم صمیمیت فضایی را معادل مفهوم "آشنایی‌های آسان" دانسته و معتقد است که شکل‌گیری تعاملات کوچک‌مقیاس در فضای شهری بر شکل‌گیری صمیمیت فضایی تأثیر بسزایی خواهد داشت (Fincher, 2003:57).

از دیگر افرادی که در زمینه صمیمیت فضایی، مطالعاتی را انجام

تنظیمات بهینه فضایی، به طور ضمنی، در کارهای وود و همکاران (۲۰۱۰) نیز دیده شده است. وی در بررسی‌ها و مطالعات خود در مورد مفهوم صمیمیت به این نتیجه رسید که امکان پیاده‌روی در محدوده واحد همسایگی منجر به تقویت حس تعلق اجتماعی و شکل‌گیری فضایی صمیمی خواهد شد. از دید وی و همکارانش فضای صمیمی مکانی است که پر جنب‌وجوش و همه‌شمول باشد، و پیاده‌روی‌های دوستانه در آن، امکان تعامل اجتماعی را فراهم نماید (Wood et al, 2010:1385).

کچ و لاتهام (۲۰۱۱) نیز به بررسی تبدیل فضای جرم‌خیز به فضای شهری صمیمی پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که مفهوم صمیمیت به معنی حسی از کیفیت زندگی جمعی است که به وسیله ایجاد فضاهای باز و همه‌شمول در محیط‌های مسکونی ایجاد خواهد شد (Koch & Latham, 2011:521). پرهام (۲۰۱۵) نیز به بررسی نقش صنایع مرتبط با مواد غذایی در شکل‌گیری صمیمیت فضایی پرداخته است. وی معتقد

صمیمیت را روش افزایش ظرفیت رشد افراد به هنگام داشتن ارتباط با دیگران، تعریف کرده‌اند (Nowicka, 2014:347). فیلو و لارییر نیز کافه‌ها را به‌عنوان مکانی که زمینه‌های شکل‌گیری صمیمیت را فراهم می‌آورند، معرفی می‌نمایند (Philo & Laurier, 2006:199). نیگل تریفت در سال ۲۰۰۸، سیاست‌های شهری‌ای را تحت عنوان "تکنولوژی‌های زیبایی‌شناسانه و اجتماعی حضور" معرفی می‌نماید. وی معتقد است که این سیاست در برگیرنده مفاهیمی چون "صمیمیت"، "مهربانی" و "احساسات" است. تریفت آن جنبه از صمیمیت را مدنظر قرار می‌دهد که در زندگی روزمره و جنبه‌های ارتباطی مؤثر از زندگی شهری اتفاق می‌افتد (Nowicka, 2014:347). امین نیز معتقد است که صمیمیت، نشانه‌ای از شکل‌گیری تمدن در فضای عمومی است. وی بر این باور است که "صمیمیت گونه‌ای از همبستگی فضایی است" (Amin, 2008:108).

مفهوم صمیمیت در ارتباط با

است که حضور دست‌فروش‌ها و محل‌های تهیه و توزیع مواد غذایی همچون آهنربایی مردم را به فضای شهری دعوت می‌کند و زمینه‌ساز حضور و برقراری تعامل و ارتباط بین افراد و در نتیجه شکل‌گیری صمیمیت فضایی خواهد شد (Parham, 2015: 81).

تعامل اجتماعی

همان‌طور که می‌دانیم عوامل بسیاری بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری تأثیرگذار هستند؛ اما به‌طور کلی می‌توان گفت که «هرگاه نظم فضایی، فعالیت‌ها و معانی با هم سازگار باشند و یکدیگر را تقویت نمایند، رابطه اجتماعی در فضا نیز تقویت خواهد شد» (Rapoport, 1977: 103). ضمن آنکه فرصت‌های بالقوه‌ای که در نتیجه تعاملات اجتماعی به وجود می‌آیند، خود می‌توانند مشوق شکل‌گیری تعاملات و ارتباطات اجتماعی بیشتر در فضای شهری باشند (William, 2005: 197).

رزالین دیپورز^۱ با در نظر گرفتن اصول اخلاقی که در ارتباط با رابطه‌های انسانی و کالبد انسان مطرح می‌شود، این تئوری

را ارائه می‌نماید که برقراری ارتباط با دیگران، ضروری و یکی از شرایط غیرقابل اجتناب در زندگی اجتماعی به شمار می‌آید. وی این مفهوم را سخاوت جسمانی^۲ می‌نامد (Hinchliffe, 2006: 130). در واقع می‌توان گفت که تعامل اجتماعی یکی از انواع فعالیت‌های اجتماعی است و اصلی‌ترین فضا برای تأمین این نیاز انسان فضاهای شهری از جمله واحدهای همسایگی است (Gehl, 2014: 17). با توجه به موارد گفته شده می‌توان چنین عنوان کرد که تعامل‌پذیری به معنای توانایی فضای عمومی برای فراهم نمودن زمینه‌ای برای برقراری ارتباط و تعامل اجتماعی است، همچنین تعامل‌پذیر بودن الزاماً به معنی برقراری ارتباط غریبه‌ها با یکدیگر نیست، بلکه این مفهوم بر این امر دلالت می‌کند که در یک فضای تعامل‌پذیر مردم تمایل به نشستن، ماندن و مکث در فضای شهری دارند (Zakariya et al., 2014: 680). در یک دیدگاه کلی می‌توان گفت تعامل اجتماعی تحت تأثیر رویکردها و مفاهیم مختلفی قرار دارد که با هر کدام از آنها

2. Corporeal generosity

1. Rosalyn Diporse

(Illich, 1973: 26). آریزپی^۵ (۱۹۹۸) نیز معتقد است که اصل نخستین و پایه‌ای به‌منظور داشتن تجربه زندگی با هم و نه زندگی در کنار هم در یک اجتماع عمومی در مفهوم "Convivencia" به‌عنوان حالتی از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، است (Nowicka, 2014: 346).

همچنین به اعتقاد هینچلیف برقراری ارتباط با دیگران و داشتن تعامل اجتماعی با اتکای کمتر به گونه‌های اجتماعی انحصاری، منجر به شکل‌گیری صمیمیت خواهد شد (Hinchliffe, 2006: 131). به اعتقاد بویزورت وجود صمیمیت در روابط انسانی ریشه در حضور انسان‌ها با هم در یک فضا و برقراری ارتباط و تعامل بین آن‌ها، دارد (Boisvert, 2010:61). به عقیده اریکسون^۶ (۲۰۱۱)، مفهوم صمیمیت یک مفهوم هنجاری است که در فضاهای خالی از فعالیت و تعامل چیزی جز آرزویی آرمان‌گرایانه نخواهد بود (Nowicka, 2014: 349). رابو، بر اساس مطالعات گیلوری^۷ (۲۰۰۴) نشان داد که

نیز دارای یک رابطه دوسویه است. یکی از این عوامل که در این جا به بررسی آن خواهیم پرداخت، مفهوم صمیمیت فضایی است.

صمیمیت فضایی

در فرهنگ لغات، واژه "Convivial" به معنی شاد، صمیمی، خواهان شادمانی تعریف شده است (Shaftoe, 2008: 13)، این واژه معمولاً همراه با واژه‌های دیگری نظیر دوستانه^۱، تعامل‌پذیر^۲ و جشنوارگی^۳ همراه است (Nowicka, 2014:341). مفهوم صمیمیت، معانی متفاوتی می‌تواند داشته باشد؛ اما در این نوشتار به بررسی مفاهیم مرتبط با تعامل اجتماعی خواهیم پرداخت. به اعتقاد رمانتیک‌گرایان عصر روشنگری مانند ژان ژاک روسو^۴، هم صمیمیت و هم معاشرت، مفاهیمی ذهنی در مورد موجودیت بشر هستند (مدنی پور، ۱۳۸۹). ایلچ نیز معتقد است که صمیمیت عبارت است از: «زندگی مستقل و برقراری ارتباط و تعامل بین افراد با یکدیگر و همچنین با محیط پیرامونشان»

5. Arizpe
6. Erickson
7. Gilory

1. Friendly
2. Sociable
3. Festive traits
4. Jean-Jacques Rousseau (1712-1778)

- مفهوم صمیمیت به‌مثابه ابزاری تحلیلی برای بررسی سطح تعامل و ارتباط در زندگی روزمره قابلیت کاربست دارد^۱ (Rabo, 2011: 129). نوویکا در ارتباط با مفهوم صمیمیت، فردیت شخص را مورد تأکید قرار داده و معتقد است که صمیمیت حاصل روابط متقابل بین فردی و مستلزم تمرکز بر شرایط «با هم بودن» است؛ وی معتقد است صمیمیت به واسطه تعاملات اجتماعی مؤثر و سازنده شکل خواهد گرفت (ibid).
- محیط و افراد حاضر در آن متقابلاً بر یکدیگر اثر گذارند.
- اطراف محیط موردنظر به‌وسیله مغازه‌های خرده‌فروشی، رستوران‌ها و کافه‌ها احاطه شده است.
- نحوه طراحی کالبدی فضا به‌گونه‌ای باشد که فضا ظرفیت کافی برای پذیرش فعالیت‌های متنوع در طولانی‌مدت داشته باشد.
- فضاهای شهری صمیمی در هفت دسته قابل طبقه‌بندی هستند: میدان، پلازاها، پارک‌های خطی، بولوارها، خیابان‌های اصلاح شده با رویکرد پیاده‌مداری و واحدهای همسایگی (Nowicka, 2014: 353). فضاهای شهری صمیمی، تأییدی بر این امر است که طراحی کالبدی به‌تنهایی نمی‌تواند فضای شهری سرزنده‌ای را خلق نماید، بلکه فرهنگ، شیوه‌ها و ابزارهای مدیریتی تأثیر بیشتری در این زمینه خواهند داشت. مطالعاتی که تاکنون در حیطه صمیمیت و

باتوجه‌به همه تعاریفی که در ارتباط با مفهوم صمیمیت پیش‌ازین عنوان شد می‌توان گفت که منظور از فضاهای شهری صمیمی فضایی باز و عمومی است که شهروندان می‌توانند به دلیلی خاص و یا بدون دلیل در آنجا به‌دور هم جمع شوند، و با دیگران رابطه‌ای شاد و صمیمانه برقرار نمایند (Shaftoe, 2008: 8). این فضاها بایستی حائز تمام یا بخشی از ویژگی‌های زیر باشند (عینی فر، ۱۳۹۰):

نظر تعاملات اجتماعی، حالتی از فعالیت تفریحی و اجتماعی و وابسته به شکل عمومی توزیع و پخش در فضای شهری است؛^۲ نگاه کنید به: www.thepowerplant.org

۱. در سال ۲۰۱۲ در شهر کسل آلمان نمایشگاهی با مفهوم «صمیمیت» برگزار گردید. در یادداشتی از نمایشگاه که در مورد صمیمیت توضیح داده بود این چنین آمده است که: «صمیمیت مفهومی کیفی از نقطه

به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی، مطرح باشد (Simpson, 2011). پرهام (۲۰۱۵) نیز «گردشگری غذایی^۱» را عاملی مؤثر در ایجاد و تقویت کیفیت صمیمیت فضایی دانسته است (Parham, 2015: 81). به‌طور کلی کیفیت‌های عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی در فضاهای شهری را می‌توان به شرح جدول زیر بیان نمود:

عوامل مؤثر بر آن صورت گرفته است، عوامل متنوعی را به‌عنوان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن بیان نموده است. برای مثال وود و همکاران (۲۰۱۰)، پیاده‌مداری محدوده مورد مطالعه را به‌عنوان عامل مؤثر در تقویت حس تعلق اجتماعی و شکل‌گیری صمیمیت فضایی، عنوان نموده‌اند (Wood et al., 2010: 1385). سیمپسان (۲۰۱۱) نیز گمان دارد حضور رویدادهای غیررسمی نظیر نوازندگان خیابانی در فضای شهری، می‌تواند

جدول (۱): معیارهای مؤثر بر شکل‌گیری صمیمیت فضایی (مأخذ: نگارندگان با برداشت از منابع)

معیار	شاخص‌ها
پیاده‌مداری	آسایش اقلیمی، مبلمان، مصالح، فرم، تنوع و جزئیات، مقیاس انسانی، تنوع کاربری، ترویج زندگی شبانه، همه‌شمول بودن، ممنوعیت گردش خودرو، ایجاد کثش و کنجکاوی از طریق طراحی فضاهای منسجم و پیوسته، امنیت، خوانایی
امنیت و آرامش	آسایش اقلیمی، مقیاس انسانی، فرم، مصالح، تنوع کاربری، ترویج زندگی شبانه، ممنوعیت گردش خودرو
سرزندگی	تنوع و جزئیات، مقیاس انسانی، ترویج زندگی شبانه، تنوع کاربری، همه‌شمول بودن، امکان فعالیت‌های شاد و مفرح، هنر عمومی، حضور عناصر طبیعی
خوانایی	جهت‌یابی سریع، تداوم، روشنایی کافی و مناسب در شب
تجمع‌پذیری	فرم، آسایش اقلیمی، ابعاد و اندازه، مبلمان، مقیاس انسانی، دسترسی، تنوع کاربری، ممنوعیت گردش خودرو، امکان فعالیت‌های شاد و مفرح، هم‌سنخیتی اجتماعی، توجه به عوامل زیبایی‌شناختی، حضور عناصر طبیعی، همه‌شمول بودن
حس تعلق	امکان فعالیت فرد در کنار سایر گروه‌های اجتماعی، مشارکت فرد با سایرین در فعالیت‌ها، مصالح، تنوع و جزئیات، تنوع کاربری، ترویج زندگی شبانه، امکان فعالیت‌های شاد و مفرح، هویت‌مند بودن، نگهداری و مراقبت مناسب
همبستگی اجتماعی	ترویج زندگی شبانه، همه‌شمول بودن، هنر عمومی، هم‌سنخیتی اجتماعی، حس تعلق

تکوین مفهوم واحد همسایگی

از روزگاران بسیار دور، روابط همسایگی و محله‌ای در فرهنگ ایرانی، ارتباطی بسیار صمیمی و گرم تلقی می‌شده است (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳). منظور از فضای باز واحد همسایگی^۱ (NOS) فضاهای باز همگانی در مجاورت محل زندگی و سکونت مردمان است. البته چنین فضاهایی به پارک‌ها، باغ‌های اجتماعی، زمین‌های ورزش و بازی، روستاهای سبز، رودخانه‌ها، کانال‌ها و سواحل محدود نمی‌گردد (Sugiyama, 2009: 14). بر مبنای این دیدگاه، «آنچه در واحد همسایگی بیشتر با روابط اجتماعی مرتبط است، رعایت کیفیت آشنایی در فضایی همگانی است؛ طرح کلی چنین فضایی، شامل واشدگاهی کوچک است که تا شش گذر به آن راه می‌یابند، و چند مغازه آن را احاطه می‌نمایند» (ibid). اما تحقیقات نشان‌دهنده این مطلب است که لزوماً تعریف واحد همسایگی با روابط اجتماعی میان مردم منطبق نخواهد بود (کارمونا و دیگران، ۱۳۸۸). بر مبنای نظرات مختلف، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی در مورد انواع

واحدهای همسایگی ارائه می‌شود، کارمونا (۱۳۸۸) واحدهای همسایگی را به ۵ دسته طبقه‌بندی کرده است:

۱. واحد همسایگی قراردادی که تنها وجه اشتراک آن‌ها نزدیکی واحدها از نظر فضایی است.

۲. واحدهای همسایگی بوم‌شناختی یا قومی که دارای محیط و هویتی مشترک‌اند.

۳. واحد همسایگی همگن با بافت یکنواخت و متجانس که گروه‌های قومی و یا اجتماعی در آن سکونت دارند.

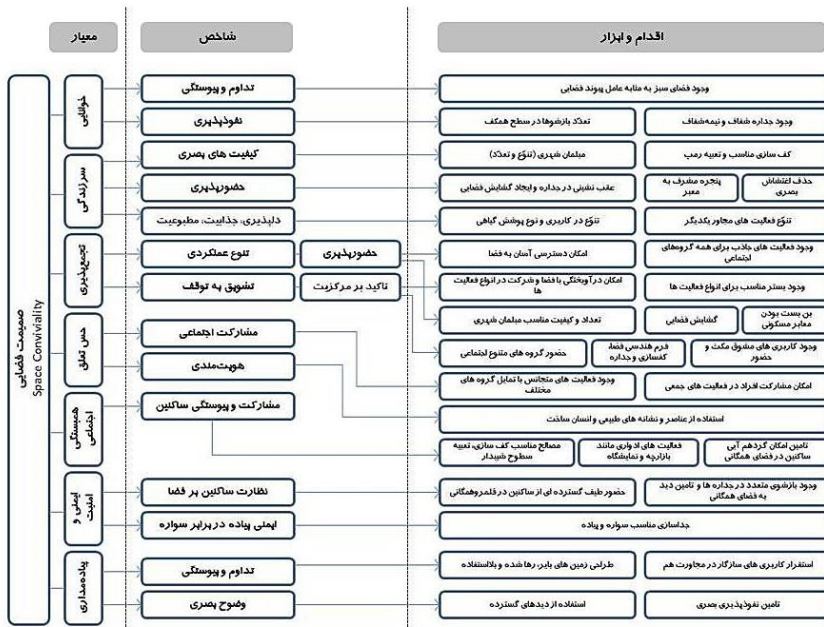
۴. واحدهای همسایگی عملکردی که از شعاع عملکردی و حوزه نفوذ کاربری‌های خاص و اندازه جغرافیایی خاص تبعیت می‌کنند.

۵. واحدهای همسایگی اجتماعی که در آن مجموعه‌ای از افراد در ارتباط اجتماعی تنگاتنگ درون‌گروهی با یکدیگر قرار دارند.

در این مقاله، به منظور برآزش مفهوم واحد همسایگی به پهنه‌ای مسکونی که نوع غالب سکونت در محیط‌های شهری امروزه را شامل می‌شود، محدوده پیرامون

مورد پژوهی بوده است. از سویی دیگر، این نگاه به ترتیبی، در صدد آسیب‌شناسی و پرداختن به یک صورت مسئله شهری به ترتیبی است که میزان قرابت و افتراق واقعیت فضایی - کالبدی - کارکردی یک پهنه موجود شهری در جهت نیل به مختصات یک واحد همسایگی را مورد مذاقه قرار دهد.

یک خیابان جمع و پخش‌کننده محلی، منشعب از یک مسیر شریانی که در آن، کاربری مسکونی و خدمات وابسته به سکونت، غلبه داشته و نوعی شعاع عملکردی مبتنی بر مرکز محله قابل طراحی، حوزه نفوذ کاربری‌های خاص و نیز مساحت منطبق با یک واحد همسایگی، ملاک تدقیق قلمرو

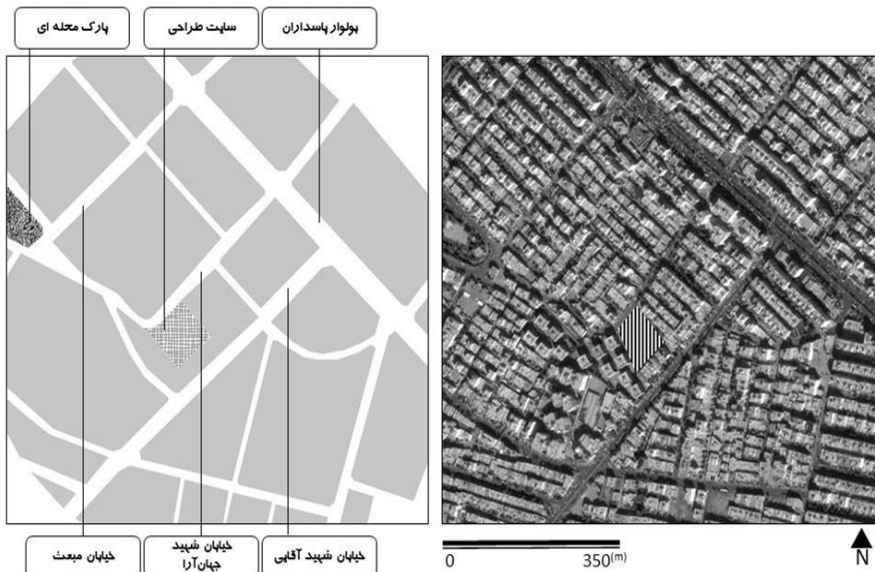


تصویر (۱): معیارها، شاخص‌های «صمیمیت فضایی» به‌مثابه کیفیت افزاینده تعامل‌پذیری و اقدام‌ها و ابزارهای رسیدن به آن در قالب فرآیند طراحی شهری و ارتقاء کیفیت محیطی (مأخذ: تکارندگان با جمع‌بست منابع)

قلمرو مکانی مورد پژوهی

محدوده مسکونی خیابان شهید جهان آرا در منطقه چهار شهرداری شیراز قرار گرفته است. در تدقیق مرزبندی محدوده مورد نظر، منطق استفاده از شعاع عملکردی یک مرکز محله فرضی، مبنای پایه‌ریزی رویکرد طراحی شهری با هدف ارتقاء کیفیت محیطی و تثبیت شرایط مرکز گرایانه جهت بازتعریف قلمرو یک واحد همسایگی بوده است. به همین ترتیب، با در نظر گرفتن یک شعاع عملکردی چهارصدمتری برای سایتی که

به صورت پلاکی بایر به مساحت تقریبی مترمربع در مرکز هندسی تقریبی محدوده مورد نظر قرار داشته است، پهنه هدف مشخص گردیده است. به لحاظ شاخص اقتصادی، بیشتر ساکنین این محدوده، وضعیت متوسط رو به بالایی دارند. همچنین کاربری‌های موجود در این محدوده شامل کاربری‌های مسکونی، تجاری خرده‌فروشی و درمانی [شامل یک درمانگاه] است.



تصویر (۲): محدوده پیرامونی خیابان جهان آرا [شیراز] به مثابه یک واحد همسایگی؛ در شرایط شهرنشینی کنونی، محدوده‌هایی اینچنینی با کاربری غالب مسکونی، چنانچه دارای کیفیت محیطی مناسب باشند، یا فضاهای تعامل مانند مراکز محله برای آنها طراحی شود، می‌توانند بازتولیدی بر مفهوم واحد همسایگی و شاید محله [باشند (مأخذ: نگارنده)]

دلایل انتخاب محدوده

بولوار پاسداران از لحاظ موقعیت قرارگیری در بافت جدید شهر شیراز قرار گرفته، که دارای عملکرد غالب مسکونی بوده و خیابان کشی‌های آن نیز بصورت شطرنجی است. خیابان جهان آرا نیز یکی از فرعی‌های مسکونی بولوار پاسداران است. بر اساس اطلاعات به دست آمده از نقشه و همچنین مشاهدات میدانی صورت گرفته هیچ نوع فضایی برای تجمع و گذران اوقات فراغت ساکنین محدوده مورد نظر، در شعاع واحد همسایگی در نظر گرفته نشده است و این مسئله یکی از نقاط ضعف و کمبودهای این محدوده به شمار می‌آید. علاوه بر آن به دلیل رشد شهرنشینی طی دهه‌های ۱۳۵۰ تاکنون در ایران، الگوی تولید مسکن تغییر یافته و ساخت مسکن آپارتمانی انبوه، سبب پیدایش مجتمع‌های مسکونی در مقیاس‌های متنوع گردیده است که طبق نتایج بسیاری از پژوهش‌های به انجام رسیده، از حیث کیفیت محیط مسکونی،

توفیق اندکی داشته است^۱. مطالعات و پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه نشان‌دهنده این مطلب است که یکی از نقاط ضعف در طراحی این قبیل مجتمع‌های مسکونی، در نظر نگرفتن نیاز انسان به تعامل و برقراری ارتباط با دیگران است (قره‌خانی، دژدار و جلالیان، ۱۳۹۵). نمونه‌ای از این نوع طراحی که در محدوده این پژوهش قرار دارد، مجتمع مسکونی دوستان است که در انتهای خیابان جهان آرا قرار دارد (تصویر ۳). این مجتمع شامل ۱۲ بلوک ۴ طبقه بوده که فاقد هر نوع فضایی برای تجمع و تعامل ساکنین است و تنها فضای همگانی و گردهمایی احتمالی در آن، یک زمین بازی و پارک کوچک است که در مجاورت مجتمع قرار گرفته، و طبق برداشت‌ها و نیز مصاحبه به عمل آمده از ساکنین، به دلیل موقعیت قرارگیری و طراحی نامناسب، به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد و در بیشتر اوقات خالی و

مسکونی؛ مورد پژوهی: مجتمع‌های مسکونی شهر همدان»، مدیریت شهری، شماره ۴۰، پاییز ۹۴، صص:

۱. برای نمونه نگاه کنید به: طیبی مسرور، ابوالقاسم و رضایی موید، صادق (۱۳۹۴). «ارزیابی میزان رضایت شهروندی از کیفیت‌های سکونتی در مجتمع‌های

خلوت است (تصویر ۴).



تصویر(۴): زمین بازی مجاور مجتمع مسکونی به عنوان تنها فضای همگانی که به دلیل عدم بهره‌مندی از کیفیت‌های برشمرده، کمتر کسی از آن استفاده می‌سال است که به این محدوده مهاجرت کرده‌اند، به بیان دیگر، می‌توان گفت که هجوم مهاجرین در ۵ سال اخیر به این محدوده به دلیل افزایش ساخت و سازهایی بوده است که در این بازه زمانی در این محدوده انجام گردیده است. ضمناً مدت‌زمان زیادی از سکونت پاسخ‌دهندگان در این محدوده نمی‌گذرد و اکثر آن‌ها نیز مالک واحد مسکونی خود بوده‌اند.

۲- بررسی وضعیت موجود شاخصه‌های مؤثر بر شکل‌گیری کیفیت «صمیمیت فضایی»

الف) تجمع‌پذیری

بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از بخش مابانی نظری، دو شاخص جذابیت و امکان



تصویر(۳): مجتمع مسکونی دوستان (مأخذ: نگارندگان)

تحلیل و ارزیابی داده‌ها

در هر سه دسته از داده‌های گردآوری شده، می‌توان نتایج را به‌صورت زیر تحلیل و ارائه نمود:

۱- داده‌ها و اطلاعات مربوط به پرسش‌شوندگان

نتایج حاصل نشان‌دهنده این واقعیت است که بیشتر پاسخ‌دهندگان زن و همچنین افراد در گروه سنی ۲۱ تا ۴۰ سال بوده‌اند. همچنین بیشتر پاسخ‌دهندگان متأهل و مهاجر [از سایر نقاط شهر و از سایر نواحی جغرافیایی و شهرها] بوده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که این محدوده جزء مناطق مهاجرپذیر شهر شیراز به‌شمار می‌آید. نتایج حاصل نشان‌دهنده این امر است که بیشتر مهاجرین در مدت زمانی کمتر از ۵

مثال افراد با سن بالاتر، تمایل بیشتری هم به حضور گروهی در فضاهای شهری دارند. ضمن آن که جنسیت و وضعیت تأهل پاسخ‌دهندگان نیز می‌تواند به طور نسبی در این امر تأثیرگذار باشد. این در حالی است که مؤلفه‌هایی نظیر میزان تحصیلات و وضعیت مهاجرت پاسخ‌دهندگان، با این کیفیت رابطه معکوس دارند، برای مثال کسانی که مهاجر نیستند تمایل بیشتری به حضور در تجمعات موجود در فضاهای شهری داشته‌اند.

(ب) همبستگی اجتماعی

بر اساس اطلاعات به دست آمده از بخش مبانی نظری، میزان صمیمیت و رفت و آمد با همسایگان، کمک گرفتن از آن‌ها و همچنین میزان مشارکت در امور مربوط به بهسازی محل زندگی خود، از شاخصه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری کیفیت همبستگی اجتماعی هستند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های پرسش‌نامه نشان‌دهنده این مطلب است که کیفیت همبستگی اجتماعی در وضعیت نامطلوبی قرار داشته و به بیان دیگر، اهالی محل حس همبستگی

حضور دسته‌جمعی افراد به‌عنوان شاخصه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری کیفیت تجمع‌پذیری مطرح شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که محدوده موردنظر از لحاظ ویژگی جذابیت در حد متوسط است. همچنین بیشتر پاسخ‌دهندگان معتقد بوده‌اند که امکان حضور دسته‌جمعی در فضاهای عمومی در این محدوده کم است؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که محدوده موردنظر از لحاظ کیفیت تجمع‌پذیری در وضعیت مطلوبی قرار ندارد.

ضمن آن که نتایج حاصل از بررسی‌های میدانی نیز نشان می‌دهد که به دلایلی همچون نبود امکانات نشستن در سطح واحد همسایگی، همچنین فقدان فعالیت و رویدادهای جاذب جمعیت در این محدوده، نتیجه حاصل از تحلیل پرسش‌نامه تأیید شده است.

همچنین ارزیابی و تحلیل داده‌ها نشان‌دهنده این مطلب است که مؤلفه‌هایی نظیر، شغل پاسخ‌دهندگان، سن افراد و همچنین ساختار خانواده با کیفیت تجمع‌پذیری رابطه مستقیمی دارد؛ برای

اجتماعی با یکدیگر ندارند و یا این احساس در سطح بسیار پایینی است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان‌دهنده این امر است که وضعیت مهاجرت افراد با همبستگی اجتماعی آن‌ها رابطه مستقیم دارد. این در حالی است که مؤلفه‌هایی نظیر میزان تحصیلات و نوع مالکیت، به طور نسبی بر کیفیت همبستگی اجتماعی تأثیرگذار خواهند بود. وضعیت سلامت جسمی پاسخ‌دهندگان در رابطه معکوس با کیفیت همبستگی اجتماعی دارد. به بیان دیگر، افرادی که مشکل جسمی داشته‌اند همبستگی اجتماعی کمتری با محیط زندگی خود داشته‌اند.

ج) حس تعلق

بر اساس اطلاعات به دست آمده از بخش مبانی نظری، میزان شناخت افراد از همسایگان خود و همچنین حس مسئولیت آنها نسبت به محیط زندگی خود، به عنوان شاخصه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری کیفیت حس تعلق مطرح شده‌اند. بر این مبنای، داده‌های حاصل از پرسشگری مورد

تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، نتایج حاصل نشان‌دهنده این امر است که حس تعلق ساکنان محدود به محیط کالبدی زندگی‌شان (خانه شخصی خود) بوده و تحت تأثیر روابط اجتماعی با همسایگان و یا آشنایی با آنها قرار ندارد. این مهم قرابت بسیاری با مفهوم زیست‌پذیری و کیفیت آشنایی با محیط و همسایگانی دارد که نخستین بار توسط دانلد ایلپارد مطرح شده، و تضمینی است بر سایر کیفیت‌های یک واحد همسایگی [که در آنجا نیز با محوریت خیابان محلی تعریف شده بود]^۱.

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشگری نشان‌دهنده این امر است که مؤلفه‌هایی نظیر سن افراد، وضعیت تأهل، وضعیت مهاجرت، نوع مالکیت، ساختار خانواده و همچنین مدت زمان مهاجرت بر شکل‌گیری کیفیت حس تعلق تأثیرگذار هستند. در این ارتباط آزمون معنی‌داری ضریب همبستگی اسپیرمن به منظور سنجش ارتباط بین مدت زمان مهاجرت پاسخ‌دهندگان و حس تعلق آن‌ها به

1. Appleyard, D. (1981). *Livable Streets*, Berkeley: University of California Press.

هم وابسته نیستند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که کیفیت حس تعلق با مدت‌زمان مهاجرت رابطه نسبی دارد؛ به این معنی که مدت‌زمان مهاجرت با حس مسئولیت ساکنین نسبت به محل زندگی‌شان رابطه معکوس داشته؛ اما بین مدت‌زمان مهاجرت و شناخت پرسش‌شوندگان از همسایگان‌شان رابطه‌ای یافت نشده است.

محیط زندگی‌شان انجام شده است. نتایج، نشان‌دهنده این مهم است که در سطح معنی‌داری اسمی ۰.۰۵ مقدار ضریب همبستگی در جدول بر مبنای پی مقدار نشان‌دهنده ارتباط قوی بین دو متغیر مدت‌زمان مهاجرت و حس مسئولیت پذیری ساکنان بوده است. همچنین بین دو متغیر مدت‌زمان مهاجرت و میزان شناخت افراد از همسایگان‌شان ارتباط معناداری وجود ندارد و این دو مؤلفه به

جدول (۲): آزمون معنی‌داری ضریب همبستگی اسپیرمن به منظور سنجش ارتباط بین مدت‌زمان مهاجرت پاسخ‌دهندگان و حس تعلق آن‌ها نسبت به محل زندگی‌شان (مأخذ: نگارندگان)

شناخت از همسایگان	حس مسئولیت	مدت‌زمان مهاجرت			
0.1	-0.179	1.000	Correlation Coefficient	مدت‌زمان مهاجرت	Spearman' rho
0.874	0.003	.	Sig (2-tailed)		
264	265	265	N		
0.105	1.000	-0.179	Correlation Coefficient	حس مسئولیت	
0.09	.	0.003	Sig (2-tailed)		
264	265	265	N		
1.000	0.105	-0.010	Correlation Coefficient	شناخت از همسایگان	
.	0.090	0.874	Sig (2-tailed)		
264	264	264	N		

محل موردنظر برای بازی کودکان محل نسبتاً امنی است. همچنین تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از پرسش‌نامه نشان‌دهنده این مطلب است که بین

د) امنیت و آرامش

در این بخش به منظور بررسی کیفیت امنیت و آرامش، شاخص «امنیت حضور کودکان» در فضاهای این محدوده بررسی شده است. در مجموع می‌توان گفت که

جنسیت، سن و وضعیت سلامت جسمی پاسخ‌دهندگان با دیدگاه آن‌ها در مورد وضعیت امنیت و آرامش محدوده موردنظر ارتباط معناداری وجود دارد. به این ترتیب که افراد با سلامت جسمی بیشتر و همچنین سنین بالاتر احساس امنیت بیشتری از حضور در فضاهای محله داشته‌اند. همچنین خانم‌ها نسبت به آقایان احساس امنیت کمتری به هنگام حضور در فضاهای محله داشته‌اند.

هـ) سرزندگی

میزان وجود فعالیت و رویدادهای غیررسمی مانند رخدادهای فرهنگی، نمایش یا موسیقی خیابانی، و همچنین تدوام بیشتر حضور افراد در فضاهای شهری، به عنوان شاخصه تأثیرگذار بر شکل‌گیری کیفیت سرزندگی در نظر گرفته شده‌اند. بر این اساس داده‌های حاصل از پرسشگری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، و این نتیجه حاصل گردید که میزان وجود فعالیت و رویدادهای غیررسمی در این محدوده بسیار ناچیز است، همچنین اکثریت پرشش‌شوندگان (۶۱ درصد) معتقد بوده‌اند که در این محدوده فضای مناسبی برای مکث و

حضور واجد کیفیت وجود ندارد.

و) پیاده‌مداری

سنجش کیفیت پیاده‌مداری در دو بخش انجام شده است، نخست این که در حال حاضر مردم به چه میزان پیاده‌روی می‌کنند، دوم این که جذابیت و امکانات موجود در محدوده موردنظر تا چه حد آنها را ترغیب به پیاده‌روی نموده، و یا به عبارتی محیط را به فضایی جذاب برای پیاده‌روی تبدیل کرده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که در حال حاضر، میزان پیاده‌روی افراد در این محدوده در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد [عمدتاً به دلیل دسترسی به خدمات محله‌ای و روزمره]. این وضعیت در مورد تمایل افراد به پیاده‌روی هم صدق می‌کند. اما کیفیت محیط کالبدی در محله نظیر وجود مبلمان مناسب برای نشستن، کف‌سازی، کاربری‌های جاذب و همچنین فضای سبز که از جمله عوامل مؤثر در تقویت پیاده‌مداری محسوب می‌شوند، در وضعیت نامناسبی قرار دارد؛ لذا لازم است که اقداماتی در راستای بهبود وضعیت آن‌ها صورت بگیرد. بر اساس تجزیه و تحلیل اطلاعات

به‌دست آمده می‌توان گفت که کیفیت پیاده‌مداری محدوده موردنظر با مؤلفه‌هایی همچون جنسیت، سن پاسخ‌دهندگان و وضعیت سلامت جسمانی آن‌ها مرتبط است. به بیان دیگر بانوان نسبت به آقایان و همچنین گروه‌های سنی بالاتر از ۲۰ سال نسبت به گروه سنی زیر ۲۰ سال تمایل بیشتری به پیاده‌روی دارند. نامناسب بودن فضاهای موجود بر میزان پیاده‌روی افراد تأثیر منفی داشته است؛ اما بر تمایل آن‌ها به پیاده‌روی تأثیری نداشته است.

جدول (۳): آزمون معنی داری ضریب همبستگی اسپیرمن به منظور سنجش ارتباط بین مدت‌زمان مهاجرت و اقامت پاسخ‌دهندگان با کیفیت خوانایی در محدوده موردنظر (مأخذ: نگارندگان)

خوانایی	مدت اقامت	مدت‌زمان مهاجرت			
-0.185	0.152	1.000	Correlation Coefficient	مدت‌زمان مهاجرت	Spearman' rho
0.003	0.013	.	Sig (2-tailed)		
265	265	265	N		
0.132	1.000	0.152	Correlation Coefficient	مدت اقامت	
0.032	.	0.013	Sig (2-tailed)		
265	265	265	N		
1.000	0.132	-0.185	Correlation Coefficient	خوانایی	
.	0.032	0.003	Sig (2-tailed)		
265	265	265	N		

زا خوانایی

موردنظر از لحاظ کیفیت خوانایی در وضعیت مطلوبی قرار گرفته است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری نشان‌دهنده این مطلب است که مؤلفه‌هایی نظیر سن پاسخ‌دهندگان، وضعیت مهاجرت آن‌ها، مدت‌زمان مهاجرت و همچنین مدت‌زمان اقامت در محدوده موردنظر بر شکل‌گیری کیفیت خوانایی تأثیرگذار خواهد بود. براین اساس می‌توان

به‌منظور سنجش کیفیت خوانایی از شاخص مکان‌یابی آسان منزل توسط کودکان استفاده گردیده است. داده‌های حاصل از پرسشگری بیانگر این امر بوده است که بیشتر پاسخ‌دهندگان معتقد بوده‌اند که کودکانشان در پیدا کردن آدرس منزل مشکل کمی دارند؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که محدوده

گفت که افراد با سن بالاتر و همچنین بومیان نسبت به مهاجران محدوده موردنظر را خواناتر دانسته‌اند. ضمن آن که مدت‌زمان مهاجرت و اقامت در محدوده موردنظر نیز بر شکل‌گیری این کیفیت تأثیرگذار خواهد بود. به این ترتیب که در سطح معناداری اسمی ۰.۰۵ مقدار ضریب همبستگی در جدول زیر بر مبنای پی، مقدار ارتباط قوی ای را بین دو متغیر مدت‌زمان مهاجرت و همچنین مدت‌زمان اقامت با کیفیت خوانایی در محدوده موردنظر نشان می‌دهد؛ مؤلفه خوانایی با مدت‌زمان اقامت ساکنین دارای رابطه مستقیم و با مدت‌زمان مهاجرت آن‌ها دارای رابطه معکوس می‌باشد.

نتیجه‌گیری

عدم توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری به نیازهای اجتماعی انسان از جمله تعامل و برقراری ارتباط با دیگران، می‌تواند مشکلات اساسی برای ساکنین شهرها به دنبال داشته باشد؛ یکی از این مشکلات عدم وجود روابط همسایگی در فضاهای محله‌های مسکونی است. چنان‌چه که قبلاً نیز عنوان شده است، هدف اصلی

پژوهش حاضر، بررسی میزان تعامل‌پذیری محدوده جهان‌آرا با استفاده از رویکرد صمیمیت فضایی است؛ صمیمیت فضایی یکی از کیفیت‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری و تقویت تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری است و خود تحت تأثیر هفت مؤلفه شامل سرزندگی، ایمنی و امنیت، خوانایی، پیاده‌مداری، حس تعلق، تجمع‌پذیری و همبستگی اجتماعی قرار دارد. نتایج حاصل نشان‌دهنده این مطلب است در محدوده موردنظر از میان هفت مؤلفه تأثیرگذار بر شکل‌گیری کیفیت صمیمیت فضایی، به جز مؤلفه خوانایی، سایر مؤلفه‌ها (پیاده‌مداری، سرزندگی، تجمع‌پذیری، ایمنی و امنیت، حس تعلق و همبستگی اجتماعی) در وضعیت نامطلوبی قرار داشته، اما پتانسیل کافی برای بهبود وضعیت این مؤلفه‌ها در محدوده موردنظر موجود است؛ بنابراین می‌توان نتیجه این پژوهش را چنین عنوان نمود که محدوده موردنظر از حیث کیفیت صمیمیت فضایی در وضعیت نامطلوبی قرار داشته و به عبارتی محدوده موردنظر فاقد کیفیت صمیمیت فضایی

رویکرد صمیمیت فضایی است. اما حضور عوامل و کیفیت‌هایی در آن، همچون حس تعلق ساکنین به محل زندگی‌شان و امنیت نسبی موجود در کنار زمین خالی موجود که در نقشه طرح تفصیلی برای طراحی میدان مرکزی محله در نظر گرفته شده ولی هنوز اجرا نشده است، می‌تواند زمینه مساعدی را برای شکل‌گیری این کیفیت در این محدوده فراهم نماید.

است. اما مشاهدات میدانی صورت گرفته نشان می‌دهد که محدوده جهان‌آرا به صورت بالقوه پتانسیل کافی برای داشتن یک فضای شهری صمیمی دارد و با اقدامات مناسب طراحی شهری می‌توان این کیفیت را در فضای شهری موردنظر ایجاد کرد.

از همین رو می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که محدوده جهان‌آرا در حال حاضر فاقد کیفیت تعامل‌پذیری بر اساس

ملاحظات اخلاقی:

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان‌نامه / رساله: این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده چهارم است که به راهنمایی نگارندگان اول و دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز به انجام رسیده است.

منابع

- راست بین، ساجد، جعفری، یاسر، دارم، یاسمن، معززی، امیرمحمد و طهران، مهر (۱۳۹۱). رابطه همبستگی بین کیفیت‌های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه عمومی (نمونه موردی: جلفای اصفهان). باغ نظر، ۲۱، ۳۵-۴۶.
- قره‌خانی، کمال، دژدار، امید و جلالیان، سارا (۱۳۹۵). بررسی تاثیر فضاهای اجتماع پذیر بر کیفیت زندگی ساکنین مجتمع‌های مسکونی. سومین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران، کنفدراسیون بین‌المللی مخترعان جهان (IFIA)، دانشگاه جامع علمی کاربردی.
- کارمونا، متیو و دیگران (۱۳۸۸). مکان‌های عمومی، فضاهای شهری. (فریبا قرایی و دیگران). تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- گل، یان (۱۳۸۹). فضاهای عمومی و زندگی جمعی شهر آدلاید. (علی غفاری و علی سهیلی پور). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گل، یان (۱۳۹۲). شهر انسانی. (علی غفاری و لیلا غفاری). تهران: علم معمار. مدنی پور، علی (۱۳۸۹). فضاهای عمومی و خصوصی شهر. (فرشاد نوریان). تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- مقدم، گلرخ، بحرینی، حسین و عینی‌فر، علیرضا (۱۳۹۰). تحلیل اجتماع‌پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت. هنرهای زیبا، ۴۵.
- وایت، ویلیام (۱۳۹۱). زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک. (میترا حبیبی و محمدهادی غیائی). تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- Amin, A. (2007). "Rethinking the Urban Social", City, Vol.11, April, No.1, pp: 114-100.
- Bin Ngah, E and Bigdeli Rad, Vahid. (2013). "Public Spaces and Effective Factors on Social Interactions", International Journal of Current Engineering and Technology, Vol.3, March, No.1, pp: 188-184.
- Boisvert, Raymond D. (2010). "Convivialism: A Philosophical manifesto", The Pluralist, Vol.5, No.2, pp: 68-57.

- Journal of Culture Studies, Vol.17, No.4, pp: 356-341.
- Parham, S. (2015). Food and Urbanism: The Convivial City and a Sustainable Future.
 - Peattie, L. (1998). Convivial Cities, pp: 247-252.
 - Rabo, A. (2011). "Conviviality and Conflict in Contemporary Aleppo", Religious Minorities in the Middle East, Brill Online, pp: 147-123.
 - Rapoport, A. (1977). Human aspects of urban form, New York, Pergamon Press.
 - Shaftoe, H. (2008). Convivial Urban Space (creating effective public spaces), London: Earthscan.
 - Simpson, P. (2011). "Street Performance and the City: Public Space, Sociability, and intervening in the everyday", Space and Culture, Vol.14, No.4, pp: 430-412.
 - Sugiyama, T. (2009). "Association between neighborhood open spaces Attributes and Quality of life for older people in Britain", Environment and Behavior, Vol.41, January, No.1, pp: 21-3.
 - Fincher, R. (2003). "Planning for Cities of Diversity, difference and encounter", Australian Planner, Vol.40, No.1, pp: 58-55.
 - Gehl, J & Matan, A. (2009). "Two Perspectives on Public Spaces", Building Research & Information, Vol.37, No.1, pp: 109-106.
 - Gehl, Jan & Svarre, Birgitte. (2013). How to study Public Life, Washington, Covelo, London, Island Press.
 - Hinchliffe, S. & Whatmore, S. (2006). "Living Cities: Towards a Politics of Conviviality", Science as Culture, June, Vol.15, No.2, pp: 138-123.
 - Jacobs, J. (2002). Death and Life of Great American Cities, New York: Random House.
 - Laurier, E & Philo, C. (2006). "Cold Shoulders and Napkins Handed: Gestures of responsibility", Transition of Institute of British Geographers, Vol.31, pp: 207-193.
 - Nowicka, M. (2014). "Comparing Convivialities: Dreams and realities of living – with – difference", European

- Williams, J. (2005). "Designing neighborhood for social interaction: The case of Cohousing", *Journal of Urban Design*, Vol.10, June, No.2, pp: 277-195.
- Wood, L & Frank, L & Giles – Cort, B. (2010). "Sense of Community and its Relationship with Walking and Neighborhood Design", *Social Science and Medicine*, Vol.70, pp:1390-1381.
- Zakariya, Kh & Nor Zalina, H & Mazlina, M. (2014). "Spatial characteristics of urban square and sociability: A review of the city square, Melbourne", *Social and Behavioral Science*, Vol.153, pp: 688-678.
- www.conviviality.com.